



در صفحه ۳

بیانیه سازمان فدائیان (اقلیت) به مناسبت چهل و چهارمین سالگرد حماسه سیاهکل

گرامی باد چهل و چهارمین سالگرد حماسه سیاهکل

افزایش اجاره‌بها و گسترش حاشیه‌نشینی

نظام سرمایه‌داری حاکم بر ایران، مصائب بی‌شماری برای توده‌های زحمتکش مردم ایران به بار آورده است. با افزایش دامنه فقر و بیکاری، لگام گسیختگی رشد تورم و وخامت روزافزون شرایط مادی و معیشتی طبقه کارگر، مسئله مسکن به یک معضل حاد برای میلیون‌ها تن از مردم زحمتکش ایران تبدیل شده است.

ابعاد این معضل به درجه‌ای رسیده است که مطبوعات وابسته به رژیم نیز گزارشات متعددی از افزایش پی‌درپی بهای مسکن و اجاره، گسترش روزافزون بی‌خانمانی، حاشیه‌نشینی و عواقب ناشی از آن را انتشار داده‌اند. بر طبق گزارش مرکز آمار ایران، در سال ۱۳۹۲ متوسط هزینه سالانه خانوار شهری برابر با ۲۰ میلیون و ۵۹۸ هزار تومان بوده و نسبت به سال ۱۳۹۱، ۴/۲۵ درصد افزایش یافته است، ۳/۷۳ درصد این متوسط هزینه سالانه را هزینه‌های غیرخوراکی تشکیل می‌دهند. اما نکته قابل‌ملاحظه در این گزارش به‌ویژه در آن است که ۴۵ درصد از هزینه‌های غیرخوراکی در بخش مسکن قرار دارد.

گزارش‌های مرکز آمار همچنین نشان می‌دهد که در سال ۹۲، از کل جمعیت

در صفحه ۴

پیشبرد سیاست‌های میلیتاریستی رژیم به هزینه مردم

یکشنبه ۲۸ دی خبرگزاری‌ها اعلام کردند در حمله یک هلی‌کوپتر اسرائیلی به خودروهای حامل اعضا حزب‌الله لبنان در منطقه قنبره‌ی سوریه، ۶ تن از اعضای حزب‌الله و یکی از فرماندهان سپاه پاسداران به نام "محمدعلی اشمادی" کشته شده‌اند. وی دومین مقام ارشد نیروی قدس سپاه است که طی یک ماه اخیر در درگیری‌های منطقه کشته شده است. پیش از آن، "سرتیپ پاسدار حمید تقوی" در سامرای عرق کشته شده بود. پس از انتشار این خبر، ارگان‌ها و سران رژیم به موضع‌گیری در این مورد پرداختند که وجه مشترک تمامی آن‌ها تهدید اسرائیل به "انتقام‌گیری"، پاسخ قطعی" و

در صفحه ۵

یادداشت‌های سیاسی

اعتصاب سراسری معلمان با شعار

۱۲ حق برخورداری از یک زندگی شرافتمندانه

موج جدید دستگیری زنان و فعالان اجتماعی

۱۰ با کدام هدف؟

نزاع رئیس‌جمهور و کنگره آمریکا بر سر چیست؟

باراک اوباما در نطق سالانه‌اش در کنگره آمریکا که اکثریت کرسی‌های آن مانند مجلس سنای این کشور، در دست حزب رقیب وی، حزب جمهوری‌خواه است، به مرور سیاست‌های دولت در دوران ریاست‌جمهوری خود پرداخت و از آن دفاع کرد. بخش زیادی از سخنان رئیس‌جمهور آمریکا به سیاست‌های داخلی دولت اختصاص داشت که این جا مورد بحث ما نیست اما بخش دیگر آن پیرامون سیاست خارجی آمریکا بود. باراک اوباما سیاست خارجی دولت را سیاستی کاملاً موفقیت‌آمیز خواند. او ضمن اشاره به برخی سیاست‌های شکست‌خورده آمریکا در دوره‌های گذشته، چنین ادعا کرد که دولت آمریکا در دوره ریاست‌جمهوری وی، بهتر از گذشته توانسته است "رهبری" آمریکا را در مقیاس بین‌المللی "اعمال" کند. اوباما با گفتن این‌که "رهبری خردمندانه و هوشیارانه آن است که قدرت نظامی را با قدرت دیپلماسی ترکیب و قدرت آمریکا را با تشکیل ائتلاف تحکیم کند" در واقع به دو موضوع بسیار مهم اشاره داشت. او - بی‌آن‌که نامی از بوش بر زبان آورد - در همان حال که اتکاء یک جانبه بر جنگ و نظامی‌گری در دوره بوش را غیرعقلانه خواند، به این واقعیت نیز اعتراف کرد که آمریکا برخلاف گذشته، اکنون در موقعیتی نیست که به تنهایی و مستقل از دیگر قدرت‌های امپریالیستی فعلاً متحد خود، به اعمال رهبری بلامنازع کشورهای سرمایه‌داری بپردازد. اوباما که هنگام سخن گفتن از ائتلاف با سایر قدرت‌ها و از این‌که توانسته است اهداف امپریالیسم آمریکا را با ترکیبی "هوشمندانه" از زور و دیپلماسی پیش ببرد، پی‌درپی به خود مدال می‌داد، البته از اختلافات درونی این ائتلاف ناپایدار و تضاد منافع آمریکا و قدرت‌های اروپایی چیزی نگفت!

اوباما که از سیاست همراه ساختن اتحادیه اروپا با آمریکا در برابر روسیه که به ادعای وی، به "انزوای روسیه" و "ازهمپاشی اقتصادی" این کشور منجر گشته است، فوق‌العاده اظهار رضایت می‌کرد و آن را سیاستی موفقیت‌آمیز خواند، اما نتوانست از اعتراف به دشواری رقابت با چین و درآوردن بازار از دست چین و کالاهای تجاری این کشور که می‌خواهد برای آمریکا "قانون تعیین کند" خودداری کند.

در بحث‌های مربوط به سیاست خارجی، بخش مهمی از سخنان اوباما به سیاست خارجی دولت آمریکا در خاورمیانه اختصاص داشت. رئیس‌جمهور آمریکا، اعزام نیروی نظامی به عراق و افغانستان در دوره بوش را سیاست غیرهوشیارانه‌ی مبتنی بر تصمیماتی عجولانه خواند که پای ارتش آمریکا را به درگیری‌های غیر ضروری کشاند! اوباما این سیاست را مغایر "استراتژی جامع" آمریکا و خواست دشمنان این کشور خواند که هزینه‌های زیادی را نیز برای آمریکا در بر داشته است. اوباما گفت: "از زمانی که من قدرت را

در صفحه ۲

خلاصه ای از اطلاعاتی‌های سازمان

در صفحه ۸

نزاع رئیس‌جمهور و کنگره آمریکا بر سر چیست؟

به دست گرفته‌ام، با جدیت تلاش می‌کنیم که تروریست‌هایی را که تهدیدی مستقیم برای ما و متحدان ما هستند نابود کنیم!"

اوباما البته نه، گفت که "جدیت" دولت آمریکا چه و چگونه بوده است و تا چه حد در نابودی این تروریست‌ها متمرکز بوده است و نه، گفت که دولت "جدی" اوباما به چه میزان در تقویت این نیروها نقش داشته است! اوباما اما گفت که: ما هم‌زمان درس‌های هزینه‌بری را طی ۱۳ سال گذشته آموختیم، به جای این‌که آمریکایی‌ها در روستاهای افغانستان گشت بزنند، به نیروهای محلی آموزش دادیم و خود هدایت کارها را برعهده گرفته‌اند و به جای این‌که نیروی زمینی زیادی را به خارج اعزام کنیم، با مشارکت کشورهای از جنوب آسیا و شمال آفریقا، پناگاه‌های امن تروریست‌ها را که آمریکا را تهدید می‌کنند، هدف قرار می‌دهیم.

اما به‌رغم دعای رئیس‌جمهور کنونی آمریکا، امروز هر کس این را می‌داند که سیاست‌های راهزانه امپریالیسم آمریکا و اشغال نظامی عراق و افغانستان توسط آمریکا و سایر متحدان آن که با کشتارهای وسیع و آوارگی صدها هزار انسان همراه بود، با شکست و ناکامی روبرو گردید. وضعیت کنونی این دو کشور نیز شهادی بر این شکست و ناکامی است. تنها پس از شکست نظامی و سیاسی آمریکا بود که ارتش امپریالیستی آغاز به ترک این دو کشور نمودند و شخص اوباما نیز اساساً بر زمینه شکست مفتضحانه این سیاست‌هاست که به راس دولت آمریکا عروج می‌کند.

اوباما اما بدون این‌که به این شکست و نقش دولت آمریکا در جنگ‌افروزی و ایجاد و تقویت گروه‌های ارتجاعی از قماش القاعده و داعش، کمترین اشاره‌ای داشته باشد، از "جدیت" مقابله آمریکا برای نابودی تروریست‌ها سخن می‌گوید. به‌رغم همه‌ی این‌ها اما اوباما به این واقعیت اشاره می‌کند که در جنگ‌افروزی‌های محلی و منطقه‌ای، سربازان آمریکایی را از رودویی مستقیم و از زیر ضرب خارج ساخته و هزینه تلفات انسانی در جریان مداخله در کشورهای خاورمیانه را بر دوش دولت‌ها و کشورها و مردم منطقه افکنده است. چنین است که اوباما می‌گوید، به جای این‌که ما به جنگ زمینی دیگری در خاورمیانه کشیده شویم، رهبری ائتلاف گسترده‌ای را با مشارکت کشورهای عربی آغاز کردیم تا گروه تروریستی داعش را تضعیف و نهایتاً نابود کنیم!

اما رئیس‌جمهوری آمریکا که ظاهراً منتقد مداخله نظامی آمریکا در عراق و افغانستان است و خارج ساختن سربازان آمریکایی از صحنه درگیری‌های نظامی در کشورهای خاورمیانه را از افتخارات خود می‌داند، تنها چند لحظه پس از اهدای مدال افتخار به خودش، از کنگره آمریکا می‌خواهد با تصویب قطعنامه، مجوز استفاده و اعزام نیرو برای مقابله با داعش را صادر کند و تاکید می‌کند که دولت آمریکا به چنین مجوزی

نیاز دارد!! و روز بعد از آن نیز چاک هیگل وزیر دفاع آمریکا اعلام می‌کند، ارتش آمریکا به زودی نیروهای نظامی بیشتری برای "مبارزه با داعش" به عراق (بخوان سوریه) اعزام خواهد کرد.

باراک اوباما، این نماینده خوش رقص و زبان امپریالیسم تجاوزگر آمریکا، بعد از توضیح سیاست ترکیب زور و دیپلماسی و کاریست آن در خاورمیانه که از این قرار بر زور و جنبه قدرت نظامی آن تاکید ویژه‌ای می‌شود، سخنان خود را به سیاست خارجی آمریکا در قبال جمهوری اسلامی اختصاص داد. رئیس‌جمهوری آمریکا اعمال سیاست زور و دیپلماسی یا سیاست چماق و هویج در مورد جمهوری اسلامی را نیز سیاستی موفقیت‌آمیز خواند. وی ضمن دفاع از مذاکره با ایران بر سر مساله هسته‌ای و تاکید بر ادامه همین روند، هشدار داد که اگر کنگره آمریکا بخواهد تحریم‌های جدیدی را علیه ایران وضع کند، آن را وتو خواهد کرد. اوباما پیرامون جنبه‌های مثبت و موفقیت‌های حاصله از این سیاست گفت: برای اولین بار طی ده سال، پیشرفت برنامه اتمی جمهوری اسلامی را متوقف و ذخایر مواد اتمی آن را نیز کاهش داده‌ایم. او اضافه کرد که آمریکا اکنون این فرصت را در اختیار دارد که برای رسیدن به توافقی جامع به این مذاکره ادامه دهد و از ایران مسلح به سلاح هسته‌ای جلوگیری کند. توافقی که آمریکا و متحدان‌اش از جمله اسرائیل را محافظت می‌کند و در عین‌حال مانع یک درگیری دیگر در خاورمیانه می‌شود. رئیس‌جمهور آمریکا پس از اشاره به فوائد جنبه‌های مثبت چنین سیاستی، در مورد مضرات و جنبه‌های منفی و عواقب تصویب تحریم‌های جدید گفت، وضع تحریم‌های جدید، موجب تخریب روند کنونی می‌شود. حفظ تحریم‌ها را مشکل‌تر می‌سازد و میان آمریکا و متحدین آن در عرصه بین‌المللی شکاف ایجاد می‌کند و در عین‌حال موجب آن می‌شود که جمهوری اسلامی نیز برنامه هسته‌ای خود را از سر گیرد. باراک اوباما در پایان این بخش از سخنان خود، ضمن اشاره به این موضوع که هیچ تضمینی برای موفقیت مذاکرات وجود ندارد، اگرچه که تاکید نمود برای جلوگیری از تبدیل شدن ایران به یک قدرت اتمی، همه گزینه‌ها را بر روی میز حفظ خواهد کرد و به عنوان آخرین گزینه، حتی از جنگ نیز نام برد، اما این اظهار نظر وی، بیشتر تحت تأثیر فشارهای حزب رقیب مطرح شد و نه به عنوان تهدیدی که حتماً بخواهد در پایان مهلت مذاکرات، به یک سیاست عملی تبدیل شود!

وقتی که جان بیزر، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا تنها یک روز بعد از سخنان اوباما اعلام کرد از بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم اشغال‌گر و صهیونیستی اسرائیل، دعوت به‌عمل آمده است تا در نشست مشترک کنگره پیرامون برنامه هسته‌ای و تهدیدات ایران و اسلام افراطی سخن‌ارنی کند، این موضوع نه فقط یک دهن کجی آشکار به رئیس‌جمهور و خلاف عرف

سیاسی معمول در زمینه دعوت از رهبران و روسای کشورها توسط رئیس‌جمهور بود، بلکه در عین‌حال کشمکش و اختلاف میان جناح‌ها و بورژوازی امپریالیستی و جناح‌ها بر سر سیاست خارجی آمریکا در قبال جمهوری اسلامی و برنامه هسته‌ای آن را به نمایش گذاشت. برخی سناتورهای آمریکایی نیز با عنوان کردن این موضوع که جمهوری اسلامی "با زمان بازی می‌کند" و در تمام این مدت جامعه بین‌المللی را فریب داده است، طرح‌هایی در مورد وضع تحریم‌های جدید برای ارائه به "کمیته بانکداری سنا" تهیه کرده‌اند!

به‌رغم این اما سخنان اوباما پیرامون تأثیرات زیان‌بخش وضع تحریم‌های جدید توسط کنگره آمریکا، به‌طور تام و تمام مورد تایید و حمایت مهم‌ترین متحدین اروپایی آمریکا قرار گرفت. وزرای خارجه آلمان، انگلیس و فرانسه، همراه با فدریکا موگرینی مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا با انتشار بیانیه مشترکی به تکرار حرف‌های اوباما پرداخته و تاکید نمودند تحریم‌های بیشتر علیه ایران، تلاش‌های تاکتونی را تخریب خواهد کرد. در این بیانیه همچنین گفته شده است، فرصتی را که برای نخستین بار برای حل "تهدیدات امنیتی" از طریق صلح‌آمیز بوجود آمده است نباید از دست داد چرا که ممکن است چنین فرصتی هرگز بدست نیاید. بیانیه مشترک خطاب به کنگره آمریکا تاکید نموده است توافقات تاکتونی با ایران، مطمئن‌ترین مسیر دستیابی به یک راه حل جامع و بلند مدت است و بالاخره به کنگره آمریکاک اطمینان داده شده است که اعمال فشار علیه جمهوری اسلامی ادامه خواهد یافت تا "یا به همکاری بی‌پایان تن دهد یا به انزوای بیشتر دچار شود."

مخالفت با وضع تحریم‌های جدید و اختلالی که از این ناحیه متوجه روند مذاکرات هسته‌ای خواهد شد، موضع و حرف مشترک رئیس‌جمهور آمریکا و متحدان بزرگ اروپایی آن نبود، برخی مقامات رسمی جمهوری اسلامی نیز که تمام تخم‌مرغ‌ها را به سبب مذاکرات هسته‌ای ریخته‌اند نیز عکس‌العمل تقریباً مشابهی داشتند و حرف‌های حتی یکسانی بر زبان راندند. صرف‌نظر از برخی سران سپاه و محافظی چون گردانندگان کیهان شریعت‌مداری که از میان سخنان اوباما، عبارت حفظ همه گزینه‌ها بر روی میز را برجسته ساختند تا آن را حتی بر بی‌نتیجه بودن مذاکرات قلمداد کنند، اما محمدرضا ظریف وزیر خارجه جمهوری اسلامی عین اوباما و اروپا گفت که وضع تحریم‌های جدید توسط کنگره آمریکا، به معنای "تخریب" روند مذاکرات است و موجب شکست آن خواهد شد. ظریف تاکید کرد که تحریم‌های جدید منجر به نابودی اقدام مشترکی خواهد شد که سال گذشته در ژنو بر روی آن توافق شده است. وزیر خارجه جمهوری اسلامی حتی به جامعه بین‌المللی متوسل شد و از آن خواست که با هر تلاشی که بخواهد روند مذاکراتی را که می‌تواند دستاورد بسیار مهمی داشته باشد، به نابودی بکشاند، به مقابله برخیزد. وی دسترسی به توافق را بسیار محتمل دانست و عین اوباما و اروپا تاکید کرد که "بنابراین نباید فرصت را از دست بدهیم!" ظریف که روز جمعه سوم بهمن در



بیاتیه سازمان فدائیان (اقلیت) به مناسبت چهل و چهارمین سالگرد حماسه سپاهکل

گرامی باد چهل و چهارمین سالگرد حماسه سپاهکل

پرچم سرخی که ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹ در سپاهکل برافراشته شد، فریاد خشم و اعتراض ستم‌دیدگان علیه نظامی ستمگر و پاسدار نابرابری‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بود که هرگونه صدای اعتراض و هرگونه تلاشی را برای مبارزه با آن نظم ظالمانه با مشت‌های آهنین پاسخ می‌داد. سکوت مرگبار اما با حماسه سپاهکل در هم شکسته شد. خون پانزده فدایی، خون پانزده حماسه‌ساز سپاهکل آغازگر راهی بود که تا هم اکنون نیز ادامه دارد، و تا زمانی که نظام سرمایه‌داری برپاست، همچنان ادامه خواهد داشت.

"سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران" که از درون حماسه سپاهکل در ۱۹ بهمن متولد گردید، پرچمدار راه نوینی در جنبش کمونیستی و کارگری ایران شد و تأثیرات شگرفی بر مبارزات مردم ایران برای آزادی و علیه نظم سرمایه از خود بر جای گذاشت. تأثیراتی که از جنبش کارگری و کمونیستی تا مبارزات زنان و دانشجویان و حتا هنر و ادبیات زمان را دربرگرفت. سازمانی که به‌رغم تمامی ضرباتی که در طول آن سال‌ها تحمل کرد و صدها رفیق، صدها کادر و عضو برجسته خود را از دست داد، توانست با حضور مسلحانه‌ی خود و فراخوان هزاران هوادار و انقلابی و کمونیستی که برای گرامی‌داشت حماسه‌سازان سپاهکل در دانشگاه تهران گرد آمده بودند برای شرکت در قیام توده‌ها، در فتح سنگرهای نظام پادشاهی و در پیروزی قیام مسلحانه‌ی مردم ایران در ۲۱ و ۲۲ بهمن نقشی غیرقابل انکار ایفا نماید.

آنچه که سپاهکل را جاودانه کرد، آن‌چه که باعث رویش گل‌هایی بی‌شمار در خاک مُرده گردید و در فردای قیام، سازمان را به بزرگترین سازمان چپ و کمونیست در خاورمیانه تبدیل نمود، عدم سازش‌کاری با دشمنان طبقاتی و از خودگذشتگی و پیگیری در مبارزه برای رهایی کارگران و زحمتکشان بود. این را حماسه‌سازان سپاهکل و تمامی رفقای که پس از آن‌ها پرچم خونین سازمان را بر دوش کشیدند به اثبات رساندند و توده‌ها به صداقت آن‌ها در عمل پی برده و به فدایی اعتماد کردند.

بعد از قیام ۲۲ بهمن نیز اگرچه انقلاب توسط سرمایه‌داران و حکومت اسلامی مصادره شد و اگرچه در صفوف سازمان خط سازش‌کاری شکل گرفت که هیچ رشته‌ای آن را به گذشته‌ی پُرافتخارمان در مبارزه با نظام سرمایه‌داری وصل نمی‌کرد، اما خط انقلابی سازمان در طول تمامی این سال‌ها و به‌رغم تمامی فراز و نشیب‌ها با خون سرخ صدها فدایی دیگر تداوم یافت. از کردستان تا ترکمن‌صحرا و از زندان اوین تا عادل آباد در هم‌جا این خون سرخ رفقای فدایی بود که بر سنگفرش خیابان‌ها و بندهای زندان، عدم سازش با دشمنان طبقه‌ی کارگر، دشمنان آزادی و دشمنان سوسیالیسم را فریاد زد.

در طول حیات جمهوری اسلامی، سازمان فدائیان (اقلیت) با برافراشته نگه‌داشتن پرچم سپاهکل در مبارزه برای آزادی و سوسیالیسم که با خون سرخ صدها فدایی آذین شده است، در مبارزه‌ی پیگیرانه علیه نظام سرمایه‌داری و هرگونه ستم و استثمار، راه حماسه‌سازان سپاهکل را بر پهنای این سرزمین تداوم بخشید.

در شرایط مشخصی که در مقطع حماسه سپاهکل بر جامعه ایران حاکم بود و بر پایه‌ی تحلیل از شرایط مشخص و تجارب جنبش‌های انقلابی، رفقای ما به این نتیجه رسیدند که برای غلبه بر شرایط و شکست سکوت و هم‌انگیز حاکم بر جامعه، بهترین راه آغاز مبارزه مسلحانه است. مبارزه سازمان و تأثیرات آن نیز به‌خوبی نتایج شگفت‌انگیز این شیوه از مبارزه را به‌ویژه در سال‌های آغازین مبارزه مسلحانه اثبات کردند. اما همان‌طور که گفته شد، این یک تاکتیک، یک روش برای اهداف مشخص بود، یعنی مبارزه برای آزادی و سوسیالیسم و رهایی طبقه کارگر، همان‌طور که از سال ۵۳ به بعد تاکتیک‌های جدیدی در دستور کار سازمان قرار گرفت. مساله اصلی این بود که رفقا مبارزه‌ی خود را در خدمت به مبارزه کارگران و زحمتکشان ایران و جهان برای رهایی از یوغ و ستم سرمایه می‌دانستند.

و آن‌چه که امروز پیوند ما با گذشته را ناگسستنی می‌کند همان عدم سازش با دشمنان طبقاتی و مبارزه برای آزادی و سوسیالیسم است. تمامی تاریخ چهل و چهارساله‌ی سازمان ما نیز که با خون و از جان گذشتگی هزاران فدایی رقم خورده گواه این مدعاست. سازمان ما این افتخار را دارد که ادامه‌دهنده‌ی راه حماسه‌سازان سپاهکل و آن هزاران گل به خون خفته باشد.

امروز سازمان برای اتخاذ تاکتیک‌های مناسب در شرایط کنونی، مانند گذشته به شرایط مشخص می‌نگرد و بر پایه این شرایط برای رسیدن به اهداف و رسالت تاریخی طبقه کارگر، تاکتیک‌ها و روش‌های مبارزاتی خود را تدوین کرده است.

سازمان ما با درس‌گیری از تجاربی که حاصل بیش از چهل سال حضور مداوم در مبارزه علیه نظام سرمایه‌داری است، بیش از هر زمان دیگری بر دخالت‌گری در مبارزات و تشکیل‌یابی طبقه‌ی کارگر تأکید می‌کند. امروز و برخلاف زمانی که رفقای اولیه‌ی سازمان تاکتیک مبارزه مسلحانه را برگزیدند، کارگران ایران در ابعادی گسترده، روزانه با نظام سرمایه‌داری که در بحرانی عمیق فرو رفته، بر سر بسیاری از خواست‌های خود در حال مبارزه هستند. امروز اشکال متنوعی از تبلیغ و ابزارهای گوناگونی برای ترویج نظرات سازمان و اندیشه‌های سوسیالیستی در دسترس قرار گرفته‌اند.

سازمان با تکیه بر تجارب تاریخی و قیام ۲۲ بهمن، بر اشکال متنوعی از مبارزه، اعتصابات اقتصادی و سیاسی، تظاهرات توده‌ای و اعتصاب عمومی سیاسی به‌عنوان پیش‌درآمد قیام مسلحانه تأکید کرده و راه سرنگونی جمهوری اسلامی را قیام مسلحانه‌ی توده‌ای می‌داند. در همین راستا سازمان تلاش دارد تا با اتخاذ تاکتیک‌های مشخص که بر آگاهی، سازمان‌یابی و تجارب مبارزاتی کارگران و زحمتکشان اثرگذار باشد، در مبارزات آن‌ها تا رسیدن به مرحله‌ای که توده‌ها برای اعتصاب عمومی سیاسی آماده می‌شوند، به‌عنوان یک سازمان کمونیست نقش ایفا کند.

سازمان فدائیان (اقلیت) با باور عمیق به نیرو و رسالت طبقه‌ی کارگر، در طول سال‌های اخیر بیشترین فعالیت‌های ترویجی و تبلیغی خود را برای آگاهی و سازمان‌یابی این طبقه به‌کار بسته است. سازمان همچنین تأکید ویژه‌ای بر دیگر زحمتکشان و ستم‌دیدگان جامعه دارد که متحد طبقه کارگر در مبارزه علیه نظم موجود هستند.

سازمان ما بر این اعتقاد است که آزادی به‌عنوان یک ضرورت به یک نیاز و مطالبه عمومی تبدیل شده است. واقعیت این است که بدون برخورداری از آزادی‌های سیاسی هیچ تغییری و تحولی میسر نمی‌باشد. اما در سوی دیگر آزادی به‌معنای واقعی و وسیع‌ترین و عالی‌ترین شکل آن بدون رهایی از اسارت سرمایه ممکن نیست. برای همین، سازمان وظیفه‌ی خود می‌داند که با تأکید بر اهمیت و ضرورت آزادی، رابطه‌ی آن با برانداختن نظام سرمایه‌داری را برای تمامی توده‌های ستم‌دیده جامعه توضیح داده و آن‌ها را به اتحاد با طبقه‌ی کارگر برای سرنگونی مناسبات سرمایه‌داری و رژیم سیاسی پاسدار آن دعوت کند.

چهل و چهار سال از آغاز مبارزات سازمان ما می‌گذرد. آن‌چه که حماسه‌سازان سپاهکل و تمامی گل‌های سرخ فدایی را در نبرد با دشمنان طبقاتی، در سپاه‌چال‌ها و در شکنجه‌گاه‌ها تا پای جان استوار نگاه داشت، اعتقاد عمیق به سوسیالیسم و رهایی انسان‌ها بود.

تا زمانی که فقر بر چهره‌ی زنان و مردان کارگر و زحمتکش، کودکان فقیر و تمام ستم‌دیدگان جاری‌ست، تا زمانی که مادران و پدران عمری را در کار و رنج گذران می‌کنند و تا زمانی که سرانجام لبخند بنشیند بر لب‌ها و لبان این مردمان از گیلان و آذربایجان تا کردستان و بلوچستان و خراسان، از کویر

افزایش اجاره‌ها و گسترش حاشیه‌نشینی

شهری کشور ۶۴/۲ درصد مالک مسکن بوده‌اند که در مقایسه با سال قبل از آن ۴ درصد کاهش یافته و حال آن‌که حدود ۴ درصد بر تعداد مستاجرین افزوده شده و از ۲۱/۷ درصد خانه‌های اجاره‌ای و رهنی در سال ۹۱ به ۲۵/۹ درصد در سال ۱۳۹۲ رسیده است.

این افزایش تعداد اجارنشینان در طول یک سال و کاهش تعداد مالکین واحدهای مسکونی، در شرایطی اعلام می‌شود که گویا قرار بود از طریق اجرای طرح مسکن مهر، همه خانوارها صاحب مسکن شخصی شوند و معضل مسکن حل گردد. اما به‌رغم این واقعیت که در دور دوم ریاست جمهوری احمدی‌نژاد، لاقلاً یک میلیون مسکن جدید ساخته شد، نه‌فقط کمترین بهبود و تعدیلی در معضل مسکن رخ نداد، بلکه بالعکس اوضاع وخیم‌تر شد. از قیمت مسکن نعلتنها کاسته نشد، بلکه افزایش یافت. اجاره‌ها نیز به سیر صعودی خود ادامه داد و بر تعداد اجارنشینان، حاشیه‌نشینیان و بی‌خانمان‌ها افزوده شد.

رئیس اتحادیه مشاوران املاک تهران نیز در گفتگو با خبرنگاری‌های رژیم می‌گوید: آمار و ارقام معاملات مشاوران املاک نشان می‌دهد که در دهه ۹۰ اجارنشینانی سیر صعودی داشته و نسبت به دهه‌های ۷۰ و ۸۰ افزایش چشمگیری داشته است. دلیل آن نیز در این است که قیمت مسکن آن‌قدر رشد داشته که قدرت خرید مردم از رشد نرخ مسکن جامانده و مردم قدرت خرید مسکن را ندارند. وی همچنین می‌افزاید: ۶۰ تا ۸۰ درصد قیمت یک ساختمان به قیمت زمین مربوط می‌شود.

معاون وزیر راه و شهرسازی در گفتگو با خبرنگاری تسنیم از کمبود حدود ۱/۲ میلیون واحد مسکن سخن می‌گوید. برخی از مقامات دولتی و متخصصین مسکن نیز بر این باورند که اگر دو میلیون مسکن دیگر ساخته شود، معضل مسکن قطعاً حل خواهد شد. اما این نیز چارمساز نخواهد بود. اگر به‌جای دو میلیون، چهار میلیون خانه دیگر هم به فوریت ساخته شود، می‌تواند سود و ثروتی عاید شرکت‌های تولید مسکن و مالکین کند، اما نه معضل مسکن حل خواهد شد و نه چیزی از این بابت عاید کارگران و زحمتکشان می‌گردد. تا وقتی که نظم سرمایه‌داری بر ایران حاکم است، در همواره بر همان پاشنه خواهد چرخید. چراکه معضل مسکن در ایران نه کمبود آن، بلکه احتکار است. مسکن هم‌اکنون نیز به‌قدر کافی وجود دارد، مسئله اما در این است که واحدهای مسکونی در دست سرمایه‌داران و مالکین متمرکز شده است. مرکز آمار ایران در نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰ فقط از وجود ۱ میلیون و ۶۰۰۰۰۰ خانه خالی خبر می‌دهد. علاوه بر صدها و هزاران خانه‌ای که در هر شهر کوچک و بزرگ به تملک سرمایه‌داران و مالکین بزرگ درآمده است، بخش‌های مرفه‌تر خردبورروازی نیز در شرایط بحران اقتصادی، تورم و کاهش مداوم ارزش پول، پس‌اندازهای نقدی خود را در خرید خانه و املاک به جریان انداخته‌اند تا از طریق آن، هم ارزش پول خود را حفظ کنند و هم بهره آن را به شکل اجاره،

تصاحب نمایند.

بنابراین هر آنچه که خانه ساخته شود، در دست کسانی متمرکز خواهد شد که سرمایه و ثروت دارند. بالعکس توده‌های کارگر و زحمتکش و تهیدست نه‌فقط قادر به خرید خانه‌هایی که بهای آن‌ها پی‌درپی افزایش یافته نمی‌باشند، بلکه حتا اگر یک خانه شخصی هم داشته باشند، هر لحظه در معرض از دست دادن آن قرار دارند.

این واقعیت بر کسی پوشیده نیست که دستمزد کارگران کفاف زندگی روزمره آن‌ها را نمی‌دهد. هزینه خانوارها مدام در حال افزایش است. گروه‌گروه، کارگران بیکار می‌شوند. تحت یک چنین شرایطی، کارگری هم که یک مسکن شخصی دارد، ناگزیر می‌شود، آن را بفروشد تا بدهی‌های خود را بپردازد و برای مدتی هزینه‌های زندگی‌اش را تأمین کند. پس اگر اعلام می‌شود که از تعداد مالکان مسکن، ۴ درصد کاسته شده و در همین حدود بر تعداد اجارنشینان افزوده شده است، همین مردم کارگر و زحمتکش هستند که زیر فشار فقر و هزینه‌های کمرشکن زندگی خانه خود را از دست داده‌اند.

اما تمرکز خانه‌ها در دست سرمایه‌داران و مالکان از یکسو و افزایش تقاضا برای خانه‌های اجاره‌ای، در طول سال‌های اخیر، عامل دیگری برای افزایش بهای خانه و به‌ویژه اجاره‌ها شده است.

خبرگزاری دولتی ایسنا خبر می‌دهد که با توجه به افزایش قیمت خانه و بهای اجاره‌ها، تقاضا برای اجاره واحدهای کوچک افزایش یافته و با توجه به این‌که اجارنشینان هر سال باید به مبلغ اجاره اضافه کنند، مجبورند سراغ خانه‌های کوچکتر رفته که خود بر میزان تقاضای این واحدها افزوده است. این خبرگزاری می‌افزاید: طبق استعلام از بازار مسکن، نرخ بهای ماهانه کوچکترین واحد مسکونی در جنوب تهران حدود ۷۵۰ هزار تومان است.

این خبرگزاری سپس به نمونه‌های متعددی از اجاره‌بهای ماهانه واحدهای مسکونی در برخی مناطق پایین‌شهر تهران می‌پردازد و از جمله می‌نویسد، یک واحد ۴۲ متری در خیابان دامپزشکی ۸۱۰ هزار تومان، یک واحد ۴۵ متری در سبلان جنوبی یک میلیون و ۵۰ هزار تومان، یک‌خانه ۴۵ متری در خیابان بریانک ۶۸۰ هزار تومان، یک خانه ۴۰ متری در خیابان شیراز یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان و در خیابان هاشمی ۸۰۰ هزار تومان در همراه، قیمت‌گذاری شده است.

با استناد به همین آمار، اگر کارگری که حداقل دستمزدش ۶۰۰ هزار تومان است، با تمام مزایا در همراه یک میلیون تومان دریافت کند، قادر نخواهد بود کوچکترین واحد مسکونی در جنوب تهران را که حدود ۷۵۰ هزار تومان است، اجاره کند. چون با هزینه‌های جنبی خانه، آب، برق، گاز و غیره، هزینه‌های مسکن، از یک میلیون در همراه نیز تجاوز خواهد کرد.

چاره‌ای برای بخش بسیار بزرگی از کارگران و زحمتکشانی باقی نخواهد ماند جز این‌که به حاشیه شهرها رانده شوند، در خانه‌های چندین خانواری

سکنا گزینند و بر جمعیت چندمیلیونی حاشیه‌نشینیان و بی‌خانمان‌ها افزوده گردد.

مرکز آمار ایران می‌گوید که ۱۰۹ هزار خانوار در آلودگی‌ها، زاعه‌ها، کپرها، چادرها، ساختمان‌های مخروبه و با در حال ساخت و غیره زندگی می‌کنند. معاون وزیر راه و شهرسازی از حضور ۲۰ میلیون ایرانی در سکونت‌گاه‌های غیررسمی خبر می‌دهد. معاون امور اجتماعی سازمان بهداشت، جمعیت حاشیه‌نشینیان را ۱۰ میلیون و در ۸۵۰ منطقه اعلام می‌کند.

معاون توسعه روستایی و مناطق محروم معاون اول رئیس‌جمهور از متوسط آمار حاشیه‌نشینی ۸ تا ۱۱ درصدی خبر می‌دهد، اما در یک‌فلم، فقط آمار حاشیه‌نشینیان را در اهواز ۴۰۰ هزار نفر اعلام می‌کند. شهردار تهران هم، جمعیت حاشیه‌نشینیان تهران را تا ۳۵ درصد می‌داند. در این شهر فقط تعداد کارتن‌خواب‌ها به ۱۵ هزار تن می‌رسد و اخیراً نیز خبری از افزایش زنان کارتن‌خواب تهران، در حد یک برآورد انتشار یافت و گفته شد در فاصله ۴ سال تعداد آن‌ها از ۲۰۰ به ۵۰۰ تن افزایش یافته است.

حاشیه‌نشینیان اکنون دیگر در تمام شهرهای کوچک و بزرگ و حتا روستاها حضور دارند، گرچه آمارهای متفاوتی از تعداد آن‌ها ارائه می‌شود، اما به نظر می‌رسد، رقم ۲۰ میلیون نفری که معاون وزیر راه اعلام کرده و دامنه وسیع‌تری از حاشیه‌نشینیان را در برمی‌گیرد و شامل خانه‌های مخروبه و بافت‌های فرسوده نیز می‌شود، به حقیقت نزدیکتر است. این یعنی یک‌چهارم جمعیت ایران در انواع مختلف سکونت‌گاه‌های به‌اصطلاح غیررسمی و نامناسب، زندگی می‌کنند.

جمهوری اسلامی که بر این پندار است با زور سرنیزه و سرکوب می‌تواند معضلات و نابسامانی‌های اجتماعی را حل کند، برای مقابله با حاشیه‌نشینی نیز در طول سال‌های متمادی کوشیده است با تخریب مسکن حاشیه‌نشینیان، آلودگی‌ها، کارتن‌خواب‌ها و سرکوب و کشتار، به این معضل اجتماعی پایان دهد، که آخرین نمونه آن نیز یک هفته پیش در اهواز رخ داد و لاقلاً به مرگ یک نفر انجامید. اما نتیجه‌ای جز افزایش حاشیه‌نشینی در پی نداشت. روشن است که این پدیده برخاسته از شیوه تولید سرمایه‌داری، فقر، بیکاری، تنزل روزافزون سطح معیشت طبقه کارگر و هجوم روستائیان فقیر در جستجوی کار، به شهرهاست. با زور و سرکوب نمی‌شود با آن مقابله کرد. جمهوری اسلامی و نظم سرمایه‌داری ایران، حتا در محدوده اقداماتی که برخی کشورها برای تعدیل مسئله مسکن معمول داشته‌اند، از نمونه خانه‌های اجتماعی با اجاره کم برای افراد کم‌درآمد، پرداخت سوبسید مسکن به افراد کم‌درآمد، معافیت هزینه‌های جنبی مسکن، راحل ندارد. رژیم می‌داند که درازای هزینه مسکن یک‌میلیونی کارگر در کوچکترین واحد مسکونی جنوب شهر تهران، ۲۰ هزار تومان حق مسکن می‌پردازد و گویا قرار است در سال آینده آن را به ۴۰ هزار تومان افزایش دهد،

پیشبرد سیاست‌های میلیتاریستی رژیم به هزینه مردم

"شکست" در آینده بود. البته اعلام هم شد که پاسخ این اقدام در زمان و مکان مورد نظر داده خواهد شد. محمدعلی جعفری، فرمانده کل سپاه، در پیامی اعلام کرد اسرائیل "باید منتظر صاعقه‌های ویرانگر" باشد. "صاعقه‌های ویرانگر"ی که گویا بایستی در زمان و مکان خاصی فرود آیند.

اگر حضور حمید تقوی در عراق، تحت عنوان دفاع از اماکن متبرکه توجیه می‌شد، حضور یک فرمانده سپاه در این منطقه پرده از حضور نظامی رژیم در سوریه برداشت، البته رژیم نیز تلاشی برای پنهان ساختن آن نکرد. اما چرا؟

استان قنیطره کوچکترین استان از ۱۴ استان سوریه و در منتهی الیه جنوب غربی در بلندی‌های جولان، و در مرز سوریه، لبنان و اسرائیل قرار دارد. به دلیل این مجاورت، تلاش اسرائیل همواره این بوده است از سویی، با ایجاد منطقه‌ای "حائل" خود را از گزند حملات گروه‌هایی همچون حزب‌الله و ارتش سوریه حفظ کند و از سوی دیگر، با کسب گذرگاهی به سمت جنوب لبنان هر چه پیش‌تر به مواضع حزب‌الله لبنان نزدیک شود. سوریه، حزب‌الله لبنان و ایران نیز در صدد بودند این جبهه را بگشایند تا جبهه ۷۶ کیلومتری بلندی‌های جولان به جبهه ۷۹ کیلومتری جنوب لبنان افزوده شود. جبهه‌ای که در صورت گشایش اسرائیل را در جنگی فرسایشی و درازمدت درگیر خواهد کرد. در راستای این تلاش‌ها، بشار اسد در تابستان ۲۰۱۲ وعده داد که جبهه‌ای تحت عنوان "جبهه مقاومت مردمی جولان" باز خواهد شد. گویا این طرح تا مرحله‌ای پیش رفته که اسرائیل را نگران کرده است. یکی از روزنامه‌های اسرائیل در دسامبر سال گذشته خبری درباره ایجاد جبهه مقاومت در جولان منتشر کرد. ارتش سوریه در هفته‌های اخیر عملیات گسترده‌ای را برای بازپس‌گیری این مناطق از جمله "خان ارتبه" و "البعث" آغاز کرده است. از سوی دیگر ایران و حزب‌الله در صدد تشکیل "نیروهای دفاع ملی" (یا همان نیروهای شبه حزب‌الله در لبنان) در کنار ارتش سوریه‌اند که وظیفه آن‌ها نه تنها مبارزه با گروه‌های تروریستی، بلکه مقابله و درگیری با نظامیان ارتش اسرائیل است. طرحی که اجرای آن به علت وجود مخالفان دولت سوریه در این منطقه هنوز نیاز به زمان دارد.

مقامات سپاه، اخیراً "یمن" را نیز به "محور مقاومت" (که تاکنون شامل کشورهای لبنان، سوریه و عراق بود) اضافه کرده و آن را جزئی از عمق استراتژیک جمهوری اسلامی اعلام کرده‌اند. اما اهمیت یمن در چیست؟ یمن یکی از کشورهای تنگه باب‌المنندب است. در جریان مناقشه هسته‌ای و تهدیدات ایران مبنی بر بستن تنگه هرمز، بحث جایگزین کردن تنگه باب‌المنندب به جای تنگه هرمز به میان آمد. تنگه

باب‌المنندب همچون تنگه هرمز آبراه استراتژیک و بسیار پر اهمیتی در منطقه است که محل عبور نفت و کالاست. نفتکش‌ها و کشتی‌های حامل کالا از اقیانوس هند وارد باب‌المنندب شده، با گذشتن از دریای سرخ به "کانال سوئز" و پس از آن به دریای مدیترانه می‌رسند تا به غرب بروند. از همان زمان بود که جمهوری اسلامی بر تلاش‌های خود برای یافتن جای پای در یمن افزود. و این تلاش‌ها گویی اکنون به بار نشسته‌اند. سخنگوی جنبش انصارالله یمن (حوثی‌ها) در آذر ماه برای نخستین بار در تلویزیون رسمی یمن از ائتلاف با ایران حمایت کرد و ایران را کشوری خواند که "محور مقاومت علیه نیروهای استکبار جهانی به رهبری آمریکا و اسرائیل" را مدیریت می‌کند. این جنبش به اعتراف مقامات ایران، "نسخه مشابه حزب‌الله لبنان" است. سازمان شبه‌نظامی شیعه‌ای که با کمک‌های اقتصادی، نظامی و "مشاوره‌ای" سران سپاه در لبنان شکل گرفت. در تأیید این امر در ۲۷ دی، علی سعیدی "نماینده رهبر جمهوری اسلامی اعلام کرد: "مرزهای جمهوری اسلامی از شلمچه تا مهران و خلیج فارس به دورترین نقاط خاورمیانه انتقال پیدا کرده است. امروز عمق استراتژیک جمهوری اسلامی سواحل مدیترانه، تنگه باب‌المنندب و غرب آسیا است."

حضور و مداخله اقتصادی، سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی در امور کشورهای منطقه امر تازه‌ای نیست. این رژیم از بو قدرت‌گیری سیاست تهاجمی "صدور انقلاب اسلامی" را در سرنوشت سیاست‌های خارجی خود قرار داد و در راستای این سیاست، نزدیک شدن به جنبش‌های اسلامی و حتا غیر اسلامی اما مخالف دولت‌های غیر همپیمان را در پیش گرفت. در کشورهای نیز که چنین "جنبشی" وجود نداشت به ساختن آن‌ها روی آورد؛ همچون نیروی شبه نظامی حزب‌الله لبنان که به اعتراف خود مقامات سپاه، نیرویی ساخته و دست پرورده‌ی جمهوری اسلامی‌ست.

اما این سیاست تهاجمی جمهوری اسلامی مبنی بر گسترش نفوذ تنها علل ایدئولوژیکی نداشت. موقعیت ژئوپولیتیک ایران در خلیج فارس و کنترل آن بر یکی از حساس‌ترین نقاط استراتژیک منطقه از نظر صدور نفت و واردات کالاها، چه برای کشورهای منطقه و چه برای ایران، به جمهوری اسلامی این امکان را بخشید که نشان دهد عدم مشارکت مؤثر ایران تهدیدی علیه جمهوری اسلامی و عامل بی‌ثباتی در منطقه خواهد بود.

از سوی دیگر فروپاشی شوروی نیز باعث تغییر شرایط ژئوپولیتیک ایران شد و با اهمیت یافتن ایران برای منطقه قفقاز و آسیای مرکزی از نظر ترانزیت و حمل و نقل کالا، فرصت‌های جدیدی در اختیار ایران قرار گرفت و آن را به کانون

ارتباطات بین‌المللی، اقتصادی و سیاسی در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز تبدیل کرد.

سران جمهوری اسلامی نیز از این فرصت‌ها حداکثر استفاده را بردند. رژیم با تحکیم و تثبیت جایگاه خود در رویدادهای منطقه از طریق گسترش نفوذ چه در دولت‌های کشورهای منطقه و چه در میان اپوزیسیون دولت‌های "غیر همپیمان" کوشید از سویی این کشورها را وارد منافع ایران را در نظر داشته باشند، و از سویی دیگر به غرب پیام دهد عدم دخالت دادن ایران در رویدادها و تصمیم‌گیری‌های منطقه‌ای می‌تواند عواقب وخیمی در منطقه به ویژه برای دولت‌های همپیمان غرب همچون اسرائیل به دنبال داشته باشد. از آن گذشته سران جمهوری اسلامی بارها و بارها اعلام کرده‌اند که هر گونه اقدامی علیه جمهوری اسلامی می‌تواند امنیت کل منطقه را به خطر اندازد و به این ترتیب با تهدید امنیت دیگران، "امنیت" خود را تضمین کنند. لازم به یادآوری نیست که اختلاف جمهوری اسلامی با دولت‌های امپریالیستی غرب یا دولت‌های مرتجع منطقه تنها زمانی بالا می‌گیرد که منافع آن‌ها با هم تصادم کنند. در غیر این صورت چنانچه وقایع سال‌های اخیر (از جمله در عراق) نشان داده است، جمهوری اسلامی به شرطی که جایگاهش به رسمیت شناخته شود و منافع‌اش حفظ شود، حاضر به هم‌سویی و همکاری با این دولت‌هاست.

سیاستی که در طول ۳۷ سال حاکمیت جمهوری اسلامی جز مصیبت حاصل دیگری برای مردم منطقه و ایران به بار نیاورده است. اولین نمود آن بروز جنگ ۸ ساله‌ای بود که خسارات جانی و مالی عظیمی را به مردم ایران تحمیل کرد. آخرین نمود آن، وضع تحریم‌های اقتصادی است. تحریم‌هایی به بهانه ممانعت از پیشبرد برنامه هسته‌ای که برای مردم، محرومیت و فقر بیشتر و برای عوامل نظام و دلالان، ثروت‌های عظیم به دنبال داشته است. اما همان گونه که سران رژیم و سیاستمداران غربی بارها و بارها تکرار کرده‌اند، هسته اصلی این اختلافات را نه برنامه هسته‌ای که سیاست‌های مداخله‌جویانه رژیم در منطقه و تصادم آن با سیاست‌های توسعه‌طلبانه امپریالیسم غرب تشکیل می‌دهد و تا زمانی که در این زمینه توافقی حاصل نشود، پایانی بر مناقشه هسته‌ای و رفع تحریم‌ها خواهد بود.

اگر امپریالیسم غرب و به ویژه دولت آمریکا، یک سوی آلترناتیوسازی و یاری‌رسان عروج جنبش‌های اسلام‌گرای منطقه است، ایران و کشورهای مرتجع منطقه نیز همکار و آتش‌بیار دیگر این معرکه‌اند. و در این راه، جمهوری اسلامی نه تنها کمک‌های مشاوره‌ای و نظامی در خوری در قالب سلاح و آموزش‌های نظامی، بلکه کمک‌های مالی چشمگیری نیز به همپیمانان دولتی و نیروهای شبه نظامی وابسته به خود می‌کند. آن هم در شرایطی که اقتصاد ایران با یک بحران مزمن درازمدت روبروست، کشور بر اثر تحریم از بخشی از درآمدهای نفتی‌اش

به یاد پانزده رزمنده سیاهکل

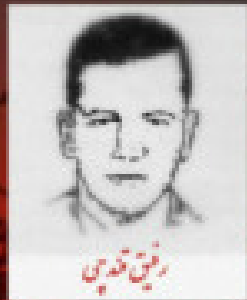
با شما باد آتشین بدرود
 بر شما باد آتشین سوگند
 بر شما کز قطره های خونتان
 بر دشت مردستان
 هزاران لاله رونیده ست
 بر شما سوگند
 با شما بدرود

ای عقابان بلند اوج
 ای پلنگان غرور خاک
 ای همه مردی
 همه پاکی
 در این دوران نامردی و ناپاکی
 بر شما سوگند
 با شما بدرود

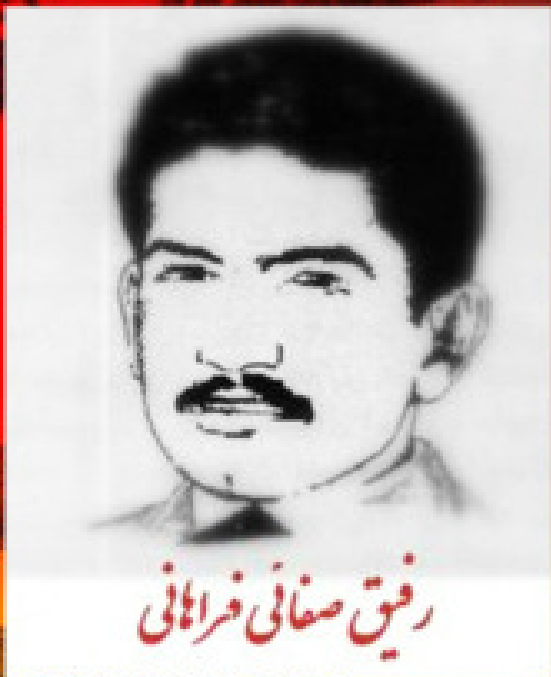
شما چون ابر باریدید
 بر، این شوره زار خشک بی پایان
 شما چون شیر غریدید
 بر، شهر سکوت آجین سنگستان
 شما از اوج خود
 در عمق جنگل ها فرو رفتید
 و آوای خوش آهنگ مسلسل هایتان در
 آن شب سرد زمستانی
 خیرها داشت از فردای شور انگیز انسانی
 و فریاد شما در شهر برهم زد
 سکوت و خواب خوش بر خیل بدکاران
 که در هر نغمه ای با ساز اربابان
 به خاک و خون کشیده پیکر بی جان ملت را
 کنون بر خویش می لرزند و می ترسند
 ز رزم گرم خشم آگین تان
 و ز عزم پولادین تان
 ای پاک بازان
 پاک مردان
 قسم بر آتش گرم مسلسل ها
 که سوزانده ست تخم یاس را در عمق قلب ما
 که تا جان در بدن داریم
 و با قلبی که آکنده ست
 از مهر وطن
 و ز شور آزادی
 قدم در راه بگذاریم و
 سر در راهتان بازیم و
 طرحی نو در اندازیم



رفیق غاسفی



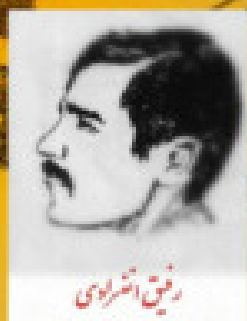
رفیق تهرانی



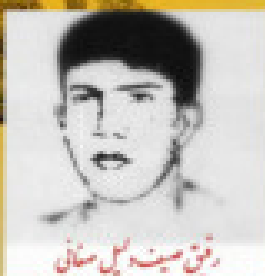
رفیق صفائی



رفیق شیدی



رفیق اشرفی



رفیق سینائی



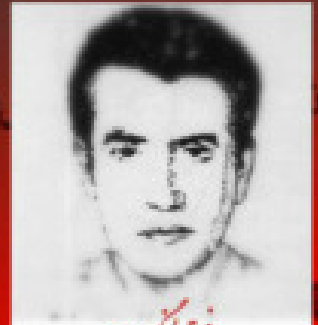
رفیق مینوی

پانزده مرد دلیر

آن‌که می‌گفت؛ حرکت مُرد در این وادی خاموش و سیاه برود
 شرم کند
 مویه کن بحر خزر
 گریه کن دشت کویر
 پیراهن چاک بده جنگل سرخ گیلان
 قلب خود را بدر ای قله سر سخت البرز
 پانزده مرد دلیر
 پانزده جان به کف دست در آوردگه رزم عظیم خونشان رنگ
 خروش
 خونشان جلوه دل‌های امید ریخت از خنجر ضحاک زمان بر
 سر خاک
 بنگر خلق ستم‌دیده ایران به بند
 که چسان بی‌شرفان، قاتل‌ها، می‌ربایند ز آغوش تو فرزند ترا
 روسپیان و قیح
 خود فروشان سیه کار پلید
 پای تا سر شکمان
 جمله در خدمت ضحاک زمان!
 و همه ضحاکان گوش دارند به فرمان جنایت گر غرب
 قرن ما قرن رهائی بشر
 موج از ساحل اکتبر به چین
 پرش از چین به کره
 جنبش اش از کره به جنگل کنگو و ویتنام و عدن
 جنبش خلق فلسطین و یمن
 پانزده مظهر والای شرف
 پانزده حیدر رزمنده ی پاک پانزده روزیه گرد دلیر
 پانزده نور درخشنده در این تاریکی، پرتو افکند به خورشید و
 درخشید به کوه
 لرزه آورد پدید!
 آه ای باد صبا، بوی خون شهدا را برسان به شمال
 بکشان تا به جنوب
 بشکفد بر لب دهقان بلوچ
 به طپش وادارد لب آزاده ی کرد
 مرحبا خیزاند از دل مرد عرب
 قدم اول هر راه سترک با شکست هم نفس است
 درس گیریم از این جانبازی
 واژگون سازیم قصر فرعون صحاک زمان
 پانزده نور درخشنده در این تاریکی
 پانزده نور امید
 خنده زن بحر حزر
 خنده زن دشت کویر
 خلق بر می‌خیزد
 خلق بر می‌خیزد!



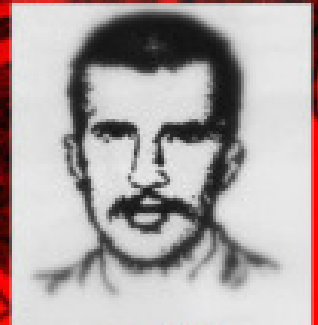
رفیق مومنی



رفیق ناکرودی



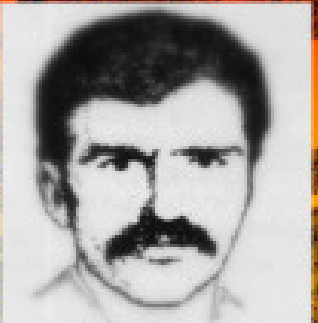
رفیق دانش بزازای



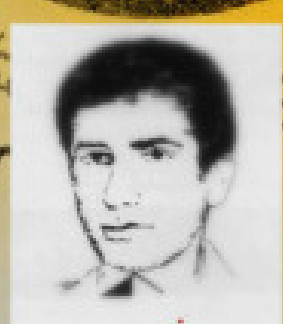
رفیق فرهودی



رفیق اسحاقی



رفیق نسری



رفیق ساهی



رفیق رامزی

پیشبرد سیاست‌های میلیتاریستی رژیم به هزینه مردم

محروم است، و این اواخر که قیمت نفت به زیر ۵۰ دلار نیز سقوط کرده است.

بار این معضلات اقتصادی و محرومیت‌ها نیز بر دوش مردم ایران است. مردم جامعه‌ای که در آن دستمزدها به زحمت کفاف نان شب را می‌دهند، بیکاری در آن بیداد می‌کند، هزینه مسکن کمرشکن شده است، کارتن‌خوابی و حاشیه‌نشینی به یکی از معضلات شهرها تبدیل شده است، تحصیل چنان گران است که بسیاری از کودکان از تحصیل بازمی‌مانند و به جمع کودکان کار می‌پیوندند؛ هزینه درمان برخی بیماری‌ها، خانواده‌ها را به خاک سیاه می‌نشاند؛ برخی برای تأمین مخارج مورد نیازشان به فروش اعضای بدن‌شان روی می‌آورند، در کنار آن انواع ناهنجاری‌های اجتماعی همچون تن‌فروشی و اعتیاد به مرز بحرانی رسیده است.

اما این تنها ثروت و مال مردم نیست که در این میان به حراج گذاشته شده است، روی دیگر این سیاست خارجی "حفظ امنیت"، سیاست داخلی "حفظ امنیت" است. سیاستی مبتنی بر محرومیت کارگران و زحمتکشان، زنان، ملیت‌ها، اقلیت‌های دینی، دانشجویان و روشنفکران از تمامی آزادی‌ها و حقوق اجتماعی و سیاسی و سرکوب دهشتناک. سرکوبی که کوچکترین اعتراضی به شرایط تحمیلی جمهوری اسلامی را با زندان و شکنجه و اعدام پاسخ می‌دهد. زیرا رژیم به خوبی می‌داند "امنیت" اش، نه در معادلات جهانی، بلکه در گروی رفاه و رضایت مردم است. و از آنجایی که برای تأمین این رفاه کمترین تلاشی نمی‌کند و اصولاً برای آن ارزشی قائل نیست، بدیهی‌ست که به سیاست توسل به دستگاه‌های اطلاعاتی، نظامی و تحمیل‌سازی مذهبی روی آورد. بودجه سالانه جمهوری اسلامی آینه‌ی تمام‌نمای این سیاست است. بودجه‌ای که طبق آن هرساله بر بودجه‌های نظامی و مذهبی افزوده و از بودجه‌های نظامی کاسته می‌شود.

از فقر و محرومیت، از زندان و شکنجه، از زندان و عدم آزادی گفتیم، اما این همه‌ی حکایت نیست. مرتجعان حاکم، قادر مطلق نیستند. آن نیرویی که سرنوشت نهایی ایران را رقم خواهد زد، توده مردم ایران هستند. همان کارگران و زحمتکشانی که در تمامی ۳۷ سال گذشته، به رغم تمام محرومیت‌ها و سرکوب‌ها دست از تلاش و مبارزه برنداشته و نخواهند داشت.

"امنیت" هر کشوری از جمله ایران، در تحلیل نهایی در داخل همان کشور و توسط توده‌های مردم رقم خواهد خورد، نه در بیرون از مرزها. سرنوشت نهایی رژیم ارتجاعی حاکم را نیز توده‌های کارگر و زحمتکش ایران است که باید تعیین کنند و تعیین خواهند کرد، نه دولت‌های ارتجاعی منطقه یا امپریالیست‌های غرب. توده‌های مردم زحمتکشی که با انقلاب و قیام قهرآمیز خود نه فقط "امنیت" جمهوری اسلامی را برهم خواهند زد، بلکه کل نظام را به زیر خواهند کشید و با استقرار حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان، رفاه و امنیتی واقعی برای خود فراهم خواهند آورد.

خلاصه ای از اطلاعاتی های سازمان

در پی اعتصاب گروه‌هایی از معلمان در بسیاری از شهرهای کشور، سازمان اطلاعاتی‌های با نام "خواست معلمان خواست تمامی کارگران و زحمتکشان ایران است - برای موفقیت باید دست به دست یکدیگر داد" در تاریخ سوم بهمن‌ماه انتشار داد. اطلاعاتی با توضیحی در باره گستردگی و دامنه‌ی اعتصاب و خواست‌های معلمان و معضلات آموزشی کشور آغاز می‌گردد و در ادامه با بیان این‌که بهبود وضعیت معیشتی معلمان خواست اصلی اعتصاب‌کنندگان می‌باشد، این‌گونه ادامه می‌یابد: "پیش از اعتصاب اخیر نیز ۶ هزار معلم با امضای طوماری با اعتراض به سیاست‌های ریاکارانه‌ی حکومت در سر دواندن معلمان، بر خواست‌های بر حق خود تاکید کرده و نوشتند: "امروزه معلمان کشور در تامین نیازهای اولیه زندگی خود درمانده‌اند و عموماً زیر خط فقر بهسر می‌برند".

بهرغم افزایش سرسام‌آور هزینه‌های زندگی که افزایش بیش از ۴۰ درصدی نان تنها یک نمونه‌ی آن است، و در حالی که براساس آمارهای ارگان‌های وابسته به حکومت هزینه یک خانواده‌ی ۴ نفره طی یکسال گذشته حدود یک میلیون تومان افزایش داشته، دولت تصمیم دارد تنها ۱۴ درصد به حقوق معلمان بیافزاید. این در حالی‌ست که درآمد متوسط معلمان براساس آمارها تنها کمی بیش از یک میلیون تومان است. البته این درآمد متوسط است و بسیاری از معلمان از جمله تمامی معلمان حق‌تدریسی بسیار کمتر از مبلغ فوق دریافت می‌کنند. تمامی ارقام، حتا آمار و ارقام دولتی نیز نشانگر کاهش هر چه بیشتر قدرت خرید معلمان و دیگر زحمتکشان و فاصله گرفتن هزینه‌ها از درآمدهای‌شان می‌باشد.

در انتهای اطلاعاتی می‌خوانیم:

معلمان، کارگران و دیگر زحمتکشان ایران!

زندگی در زیر خط فقر امروز مشکل تمامی شماسست و این مشکل شما را فرا می‌خواند تا در کنار یکدیگر بوده، دست‌ها را به‌هم داده و حق و حقوق‌تان را از صاحبان زر و زور طلب کنید. اتحاد و مبارزه کلید موفقیت شما در مبارزه برای کسب یک زندگی بهتر و انسانی است. هر قدر اتحادتان محکم‌تر و در مبارزه ثابت‌قدم‌تر باشید، موفقیت و پیروزی به شما نزدیک‌تر خواهد بود. سازمان فدائیان (اقلیت) ضمن حمایت از مبارزات و خواست‌های برحق معلمان برای افزایش حقوق بالاتر از خط فقر و با تاکید بر حق تمامی کارگران و زحمتکشان برای یک زندگی انسانی و شرافتمندانه، معلمان را به اتحاد و ادامه‌ی مبارزه تا رسیدن به خواست‌های برحق‌شان فرا می‌خواند. سازمان فدائیان (اقلیت) تمامی کارگران و زحمتکشان را به اتحاد برای افزایش دستمزد و حقوق براساس هزینه‌های یک خانواده‌ی ۵ نفره فرا خوانده و این را حق تمامی انسان‌ها می‌داند."

از صفحه ۴

افزایش اجاره‌بها و گسترش حاشیه‌نشینی

مرتجع‌تر از آن است که بخواهد کمترین گامی در جهت کاهش هزینه‌های مسکن کارگران و زحمتکشان بردارد. لذا به‌ویژه در شرایطی که بحران اقتصادی میلیون‌ها کارگر را به زیرخط فقر رانده است، بی‌خانمانی و حاشیه‌نشینی نه کاهش، بلکه افزایش خواهد یافت، همان‌گونه که تاکنون بوده است. حل قطعی مسئله مسکن در اساس مستلزم برانداختن نظام سرمایه‌داری و استقرار نظامی سوسیالیستی است. اما راه‌حل‌های فوری هم دارد که ملی کردن زمین، پرداخت سوبسید مسکن به افراد کم‌درآمد، درآوردن واحدهای مسکونی احتکار شده از چنگال سرمایه‌داران و زمین‌داران و واگذاری آن‌ها به خانوارهای بی‌مسکن، واگذاری ساختمان‌های زائد دولتی برای استفاده از آن‌ها به‌عنوان واحدهای مسکونی، ساختن خانه‌های اجتماعی با اجاره‌های پایین، چند نمونه از این اقدامات فوری است که حتا انجام این اقدامات هم از عهده یک رژیم فوق ارتجاعی از نمونه جمهوری اسلامی ساخته نیست.

مطالبه مسکن مناسب نیز همچون تمام دیگر مطالبات توده‌های کارگر و زحمتکش، تحقق خواهد یافت مگر با سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار یک دولت انقلابی، حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان ایران.

از صفحه ۳

گرامی باد چهل و چهارمین سالگرد حماسه سیاهکل

لوت و نمک تا جنگل‌های شمال، از کوه‌های البرز تا زاگرس، از سیلان تا تفتان، از لرستان و خوزستان تا تهران، ما از مبارزه و ادامه راه حماسه‌سازان سیاهکل باز نخواهیم ایستاد. در چهل‌وچهارمین سالگرد حماسه سیاهکل و تولد سازمان، بار دیگر با رفقای جان‌باخته‌مان عهد می‌بندیم، عهد می‌بندیم بر تداوم راهشان، عهد می‌بندیم بر دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان، عهد می‌بندیم بر مبارزه علیه استثمار و هر گونه تبعیض، عهد می‌بندیم به مبارزه برای آزادی و سوسیالیسم و درود می‌فرستیم بر خانواده‌های جان‌باخته‌گان که دردها همه برای آن‌ها بود.

گرامی باد یاد و خاطره‌ی جانفشانیان فدائی و تمامی کمونیست‌هایی که در راه آزادی و سوسیالیسم جان باختند

نابود باد نظام سرمایه‌داری

نابود باد جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان (اقلیت)

۸ بهمن ماه ۱۳۹۳

یادداشت‌های سیاسی

اعتصاب سراسری معلمان با شعار
حق برخورداری از یک زندگی شرافتمندانه

شهر تهران و دیگر شهرستان‌های استان تهران از جمله رباط کریم، شهریار و شهر قدس ملارد، ورامین و پاکدشت، رودهن و بومهن در این اعتصاب حضور داشته‌اند. این تارنما، همچنین از اعتصاب سراسری معلمان در استان‌های مختلف کشور از جمله استان‌های اصفهان، گیلان، شیراز، همدان، لرستان، خراسان، سیستان و بلوچستان، خوزستان، کردستان، آذربایجان، یزد، کرمان و سمنان، خبر داد. اعتراض به وضعیت وخیم معیشتی، کاهش منزلت و امنیت معلمان، بودجه سال آینده وزارت آموزش و پرورش، رفع تبعیض و برقراری عدالت در پرداخت حقوق کارکنان دولت و نیز خدمات ضعیف بیمه طلایی و شائبه افزایش ناچیز ۱۴ درصدی حقوق معلمان در سال ۹۴، از جمله مطالبات و دلایل اعتصاب دو روزه معلمان بود. این اعتصاب تنها، چند روز پس از ارسال طومار اعتراضی معلمان به رئیس مجلس ارتجاع به وقوع پیوست. اعتصابی یک پارچه و سراسری جهت پایان دادن به وضعیت وخیم و نابسامانی که معلمان کشور طی سال‌های متمادی در آن دست و پا می‌زنند. اعتصابی که از یک سو می‌تواند شروع خوبی در تحکیم همبستگی سراسری معلمان در طرح مطالبات آنان از جمله تامین حقوق مناسب برای برخورداری از "یک زندگی شرافتمندانه" باشد و در سوی دیگر، می‌تواند زمینه‌های عملی پیوند مبارزاتی آنان با کارگران و دیگر مزدبگیران جامعه را در امر سازماندهی اعتراضات و اعتصابات آتی در ابعادی وسیعتر فراهم سازد.

پوشیده نیست که معلمان کشور در کنار کارگران و دیگر گروه‌های مزدبگیر و کم‌درآمد جامعه از جمله اقماری هستند که طی سال‌های گذشته وضعیت معیشتی آنان سیر قهقرایی داشته است. روند این سیر قهقرایی و پرتاب شدن اکثریت آنان به زیر خط فقر، نه تنها شرایط زندگی آنان را با مخاطرات جدی مواجه کرده است، بلکه همان گونه که خود نیز یادآور شده‌اند، این موضوع به "منزلت‌شان" در جایگاه معلم و نقشی که باید در تعالی و رشد فرهنگی جامعه داشته باشند "آسیب رسانده" است. کاهش انگیزه‌های شغلی معلمان و گرایش آنان به سمت دو یا چند شغلی آنهم برای تامین معاش خود و خانواده، نخستین و قابل لمس‌ترین نتایج وضعیت موجود برای آنان است. وضعیتی که شرایط اسفبار تآکونی را در سطح مدارس و مجموعه نظام آموزشی ایران رقم زده است. اوضاع نابسامان و بهم ریخته‌ای که به قول معلمان، "آینده روشنی را برای کشور ترسیم نمی‌نماید".

واقعیت این است در وضعیت وخیم معیشتی که معلمان با آن دست به گریبانند و برای برون رفت از وضعیت موجود اقدام به اعتصاب دو روزه کردند، آنان تنها نیستند، بلکه کارگران و دیگر گروه‌های مزد بگیر جامعه نیز، سرنوشتی مشابه

آنان دارند و بعضا با فقری فزاینده تر از معلمان دست به گریبانند. شرایطی را که معلمان کشور هم اینک بدان گرفتارند، صرفا محصول همین سال‌های اخیر نیست و عموما ریشه در نگاه حاکمان اسلامی و سیاست گذاری آنان در تبیین مسائل فرهنگی، آموزشی و امنیتی حاکم بر جامعه دارد. لذا از معضل معیشتی معلمان به عنوان عینی ترین و عاجل ترین مطالبه آنان که بگذریم، وجود فضای امنیتی، تهدید مداوم معلمان فعال به اخراج و دستگیری همراه با دیکته کردن سیاست‌های فرهنگی و آموزشی به غایت ارتجاعی، از جمله دیگر مضلات و پدیده‌های متعارف حکومت اسلامی در آموزش و پرورش است. موضوعاتی که تاکنون چه به لحاظ امنیتی و چه به لحاظ فرهنگی اوضاع نابسامانی را برای دانش آموزان و معلمان کشور در سطوح مختلف ایجاد کرده است. از این رو معلمان کشور در کنار تامین حقوق مکفی برای پاسخگویی به نیازهای معیشتی و رفاهی خود، خواهان تغییر در وضعیت امنیتی و فرهنگی حاکم بر مدارس نیز هستند. آنان نه تنها، خواهان تغییر وضعیت موجود هستند، بلکه خواستار آن هستند که خود معلمان در تبیین سیاست گذاری‌های درسی و فرهنگی مدارس نقش موثر داشته و در کنار این امر، انتخاب مدیران مدارس نیز با نظر آنان صورت گیرد. لذا اعتصاب دو روزه معلمان در برگیرنده مجموعه‌ای از مطالبات آنان است که طی سال‌های متمادی برای تحقق آنها مبارزه می‌کنند.

اگرچه معلمان کشور پس از اعتراضات و اعتصابات سراسری زمستان ۸۵ و سال‌های پس از آن در زیر ساطور سرکوب جمهوری اسلامی طی چندین سال گذشته در سکوت و رخوتی وهم انگیز فرو رفتند، اما نباید فراموش کرد که اعتصابات، اعتراضات و مبارزات سراسری آنان در ماه‌های بهمن و اسفند ۸۵ در مقابل مجلس و ساختمان آموزش و پرورش تهران آنچنان امید، شور و تحرکی را در جامعه ایجاد کرد که بدون شک اعتراضات سراسری معلمان در بهمن و اسفند ۸۵ به صورت صفحاتی زرین در ذهنیت جامعه ماندگار شده است. مبارزاتی که در اشکال تحصن، اعتصاب و اعتراضات خیابانی در ابعاد ۲۰ تا ۳۰ هزار نفری عینیّت یافت و عملا خیابان‌های اطراف بهارستان و ساختمان آموزش و پرورش تهران را به آوردگاه معلمان برای تحقق مطالبات‌شان از جمله تحقق "نظام هماهنگ پرداخت حقوق" تبدیل کرد. اتحاد، همبستگی و اعتراضات معلمان در آن روزها، آنچنان وسیع و بازتاب آن در سطح داخلی و بین المللی آنچنان گسترده بود که برای یک دوره دو ماهه عملا تمام جنبش‌های اجتماعی ایران را تحت شعاع خود گرفت و این همه، بیانگر این حقیقت است که معلمان به همراه میلیون‌ها دانش آموز کشور از چه ظرفیت و پتانسیل مبارزاتی

بالایی برخوردار هستند.

پوشیده نیست که معلمان کشور هم اکنون در شرایطی به مراتب وخیم تر از سال ۸۵ روزگار می‌گذرانند. آنچه را که معلمان ابتدا با امضاء یک طومار ۶ هزار نفری و سپس با اعتصاب سراسری خود در روزهای ۳۰ دی و اول بهمن ماه ۹۳ در اعتراض به وضعیت معیشتی و به تاراج رفتن "منزلت‌شان" فریاد زدند، ادامه همان اعتراضات و مطالبات متحقق نشده آنان طی دهه‌های گذشته است. از بهمن ۸۵ تا به امروز نزدیک به یک دهه گذشته است. در این مدت، نه تنها کمترین گشایشی در تحقق مطالبات معلمان و به طریق اولی کمترین بهبودی در وضعیت معیشتی آنان حاصل نشده است، بلکه در همین دوره معین با پرتاب شدن اکثریت قریب به اتفاق معلمان به زیر خط فقر، شرایط معیشتی، منزلت و اعتبار اجتماعی آنان در مقایسه با یک دهه گذشته باز هم اسفبارتر شده است. در وضعیت کنونی و شرایط وخامت باری که معلمان کشور با آن دست به گریبانند، حقوق دریافتی اکثریت بسیار بزرگی از معلمان از یک میلیون تومان تجاوز نمی‌کند و این در حالی است که بر طبق برآورد یکی از تشکلهای به اصطلاح کارگری وابسته به حکومت، هزینه ماهانه یک خانوار ۴ نفره در آذرماه ۹۳ به طور متوسط ۳ میلیون و ۳۵۰ هزار تومان بوده است. با این حساب، ناگفته روشن است که این فقط معلمان نیستند که در چنین ابعادی گسترده به زیر خط فقر پرتاب شده‌اند. در ایران تحت حکومت دینی و سرمایه داری جمهوری اسلامی اکثریت توده‌های مردم و به طور اخص طبقه کارگر ایران با حداقل دستمزد ۶۰۹ هزار تومان در ماه، سال‌هاست که زیر خط فقر دست و پا می‌زنند و این همان نکته پر اهمیت است که سرنوشت کنونی معلمان کشور را با سرنوشت طبقه کارگر ایران گره زده است. اعتصاب دو روزه و سراسری معلمان با شعار حق برخورداری از یک زندگی شرافتمندانه می‌تواند شروع امید بخشی در پیوند مبارزاتی آنان با مبارزات روزمره کارگران برای دست یابی به یک دستمزد مناسب جهت تامین نیازهای زندگی آنان باشد. مبارزات پراکنده و جدا از هم گروه‌های مختلف اجتماعی اگر چه در مقایسه با رخوت و سکون امری در خور توجه است، اما تجربه تآکونی بارها و بارها نشان داده است که مبارزات پراکنده و جدا از هم برای تحقق مطالبات صنفی و معیشتی کافی نیستند. حال که در این برهه زمانی کارگران، معلمان و انبوه توده‌های میلیونی مردم ایران به زیر خط فقر پرتاب شده و با گذشت هر روز شرایط زندگی برای آنان سخت تر هم می‌شود، پیشبرد مبارزه عملی در پرتو شعار افزایش دستمزد برای تامین نیازهای معیشتی و رفاهی همراه با حق برخورداری از یک زندگی شرافتمندانه، نه تنها می‌تواند حلقه اتصال و به هم پیوستن مبارزات پراکنده و جدا از هم هر یک از گروه‌های اجتماعی باشد بلکه همچنین می‌تواند حلقه اتصال و پیوند مبارزات روزمره کارگران، معلمان و دیگر اقشار اجتماعی جامعه در مسیر تحقق بخشیدن به شعار "حق برخورداری از یک زندگی شرافتمندانه" باشد.

یادداشت‌های سیاسی

موج جدید دستگیری زنان و فعالان اجتماعی با کدام هدف؟

"فعلا خبری از دستگیری عامل یا عاملان اسیدپاشی اصفهان نیست". این جمله ای بود که حسین اشتری جانشین فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی روز چهارشنبه اول بهمن ماه ۹۳ در حاشیه همایش ملی "کرمان، امنیت و توسعه" در جمع خبرنگاران اعلام کرد. اشتری در پاسخ به سؤال خبرنگاری که در مورد چند و چون پرونده اسید پاشی به زنان اصفهان از او پرسیده بود، فقط به همین جمله کوتاه اکتفا کرد: "فعلا خبری از دستگیری عامل یا عاملان اسیدپاشی اصفهان نیست". در کنار این اظهار نظر جانشین فرمانده نیروی انتظامی که البته یکی از مقامات بلندپایه نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی نیز هست، خبرهای دیگری مبنی بر دستگیری تعدادی از زنان ایران در خبرگزاری‌ها بازتاب یافته‌اند. زنانی که عمدتاً جزو فعالان عرصه‌های مدنی و اجتماعی از جمله فعال حقوق کودک و زنان هستند.

طبق اخبار منتشره، فرشته طوسی، زهرا خندان، پرستو بیرانوند، سها مرتضایی و آتنا فردانی از جمله زنانی هستند که طی آذر و دی ماه ۹۳ توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی بازداشت و تعدادی نیز با تهدیدات تلفنی مواجه شده‌اند. علاوه بر زنان بازداشت شده تعدادی از فعالان دانشجویی مرد هم دستگیر شده‌اند. ریبوار کامرانی پور دانشجوی دانشگاه پیام نور سنجند و از اعضای کمپین حمایت از کویانی و علی امیرقلی دیگر فعال دانشجویی از جمله بازداشت شدگان ماه‌های اخیر هستند.

فرشته طوسی، روزنامه نگار و فعال دانشجویی دانشگاه علامه طباطبایی و همسرش سجاد درویش، فعال سابق دانشجویی دانشگاه علامه طباطبایی در اواخر آذرماه در منزل شخصی خود توسط نیروهای اطلاعات سپاه پاسداران بازداشت شدند. آتنا فردانی، فعال حقوق کودک از دیگر بازداشت شدگان هفته‌های اخیر است. او ابتدا در شهریورماه ۹۳ به اتهام کشیدن کاریکاتوری از نمایندگان مجلس ایران پس از مطرح شدن طرحی برای ممنوعیت وازکتومی بازداشت و پس از دو ماه آزاد شد. آتنا فردانی ۲۰ دی ماه در حالیکه برای جلسه داگهش احضار شده بود، مجدداً بازداشت و به زندان قرچک منتقل گردید. زهرا خندان، دانشجوی دانشگاه صنعتی امیرکبیر و روزنامه‌نگار از دیگر بازداشت شدگان این دوره است. او که پیش از این به دلیل فعالیت دانشجویی در دولت دوم احمدی نژاد به صورت موقت از تحصیل محروم شده بود، روز دوشنبه ۲۹ دی توسط ماموران امنیتی در منزل خود دستگیر شد. همزمان با بازداشت زهرا خندان، سها مرتضایی یکی دیگر از فعالان دانشجویی دانشگاه صنعتی امیرکبیر نیز روز ۲۹ دی در منزل شخصی اش بازداشت گردید. پرستو بیرانوند روزنامه نگار و از فعالین حقوق زنان نیز با حضور نیروهای امنیتی در خانه اش بازداشت شد. در کنار دستگیرشدگان فوق باید از مهدیه گلرو نام برد که پیشتر بازداشت و زندانی شده بود. مهدیه گلرو از جمله فعالان دانشجویی و فعالان زنان است که در آبان ماه ۹۳ پس از شرکت در تجمع اعتراضی اسیدپاشی به زنان اصفهان بازداشت و تا

کنون در زندان است. طنز تلخ تاریخ نیز در همین جاست. در حالی که با گذشت بیش از سه ماه هنوز هیچ "خبری از دستگیری عامل یا عاملان اسیدپاشی اصفهان نیست"، تعدادی از زنان ایران به جرم اعتراض به اسیدپاشی‌های اصفهان دستگیر و بازداشت می‌شوند.

حساسیت جمهوری اسلامی در ارتباط با موضوع اسید پاشی اصفهان و در پی آن بازداشت تعدادی از زنان فعال در این عرصه کاملاً قابل فهم است. جمهوری اسلامی تجربه قتل‌های زنجیره‌ای را پشت سر گذاشته و با عواقب سیاسی بر ملا شدن اسامی بالاترین مقام‌های اطلاعاتی و امنیتی رژیم که عامل قتل نویسندگان ایران در دهه ۷۰ بودند، به خوبی آگاه است. بی دلیل نبود که با اعلام خبر نیروی انتظامی مبنی بر اینکه در ارتباط با اسید پاشی اصفهان ۴ نفر دستگیر شده‌اند، محسن اژه ای دادستان کل کشور با عجله ابتدا خبر دستگیری متهمان اسید پاشی را تکذیب و آنگاه بی درنگ عازم اصفهان شد تا موضوع را در همان نقطه آغازین ببیند و نگذارد یک بار دیگر پای نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی از درون این پرونده به بیرون درز پیدا کند. سه وزیر کابینه روحانی هم که همزمان با محسنی اژه‌ای برای تحقیق و تفتیش در مورد پرونده اسید پاشی به اصفهان اعزام شده بودند، به خوبی متوجه موضوع شدند و پس از چند روز علافی دست از پا درازتر به تهران بازگشتند.

جدای از روال عمومی جمهوری اسلامی در سرکوب زنان که همواره به صورت یک سیاست منون و استراتژیک طی ۳۷ گذشته علیه زنان ایران اعمال شده است، با توجه به چنین حساسیتی که جمهوری اسلامی در مورد پرونده اسید پاشی اصفهان دارد، به نظر می‌رسد دستگیری‌های این دوره فعالان زنان به نوعی در ارتباط با خاموش کردن صدای اعتراض آنان در واکنش به تداوم سکوتی است، که مسئولان قضایی و امنیتی جمهوری اسلامی در مورد پرونده اسیدپاشی‌های اصفهان پیشه کرده‌اند. جنایت هولناکی که عوامل داعشی جمهوری اسلامی با حمایت و فتوایی که در آبان ماه گذشته از بلندگوهای نماز جمعه تهران و اصفهان کسب کردند، با پاشیدن اسید به صورت تعدادی از زنان اصفهان مرتکب شدند. از آنجا که جمهوری اسلامی خود متهم اصلی این جنایت است، نیروهای امنیتی و قضایی رژیم برای خاموش کردن موج عمومی اعتراضاتی که در واکنش به اسید پاشی اصفهان بوجود آمده بود، از همان روزهای اول ماجرا به جای دستگیری عاملان اسید پاشی، ابتدا اقدام به بازداشت خبرنگارانی کرد که وقایع اصفهان را پوشش خبری داده بودند و سپس حملات خود را متوجه آن دسته از زنانی کرد که در این رابطه فعال بودند. مهدیه گلرو از جمله زنانی است که پس از شرکت در تجمع اعتراضی تهران در آبان ماه گذشته بازداشت شد و تاکنون نیز در زندان است. از دستگیر شدگان جدید نیز دست کم زهرا خندان، پرستو بیرانوند و سها مرتضایی که هر سه در روزهای پایانی دی ماه ۹۳ دستگیر شده‌اند، احتمال می‌رود که دلیل بازداشت‌شان در راستای همان برخورد با فعالان زنان جهت ممانعت از

برگزاری هرگونه تجمعات احتمالی در اعتراض به اسیدپاشی باشد.

در کنار این احتمال که بازداشت‌های فوق با هدف ممانعت از برگزاری هرگونه تجمعات احتمالی در حمایت از قربانیان اسید پاشی اصفهان صورت گرفته باشد یا نه، فراموش نکنیم که نیروهای امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی برای بازداشت، شکنجه و حتا اعدام کسی، نیاز به هیچ دلیل و مدرک محکمه پسند ندارند. بیان این موضوع صرفاً یک ادعا نیست. این را عملکرد ۳۷ ساله رژیم جنایت‌کار جمهوری اسلامی بارها و بارها اثبات کرده است. فقط سیاست بازانی که منافع‌شان با استمرار جمهوری اسلامی گره خورده و یا آن گروه‌هایی که خود را به خواب فهمی و بی‌خبری زده‌اند، می‌توانند بر این سیاست عمومی و همیشگی جمهوری اسلامی در ذهنیت توده‌ها مردم ایران تردید و تشکیک ایجاد کنند. وقتی استراتژی هیئت حاکمه ایران سرکوب سیستماتیک زنان باشد، وقتی در قوانین اسلامی و ذهنیت هیأت حاکمه، زنان به عنوان شهروندان درجه دوم و سوم شناخته شوند دیگر فرقی نمی‌کند دوران خمینی باشد یا دوران خامنه‌ای. رفتن‌جانی رئیس‌جمهور باشد یا خاتمی.

احمدی نژاد بر مسند قدرت لمبده باشد یا حسن روحانی کلیددار در صندلی ریاست جمهوری نشسته باشد. تمام این سال‌ها، برای زنان ایران در، همواره و بدون وقفه بر روی یک پاشنه چرخیده است. سرکوب، بی حقوقی و تبعیض جنسیتی یگانه ارمغانی است که جمهوری اسلامی برای زنان ایران داشته است. اعمال این سیاست عمومی جمهوری اسلامی تا آن جایی هم که به عمر یک سال و نیم دولت "اعتدال و امید" روحانی باز می‌گردد، گویای همین حقیقت است، که جمهوری اسلامی برای بازداشت و اعدام کسی نیاز به هیچ دلیل و مدرک ندارد. اگر هیئت حاکمه ایران بر دستگیری و اعدام کسی اراده کرده باشد، آنوقت با استفاده از اهرم پرونده سازی برای بازداشت هر کسی که لازم باشد صدها دلیل و مدرک می‌تراشد و اگر نیاز به اعدام کسی هم بود با سود بردن از ابزارهای شکنجه هر که را که بخواهد وامی دارد تا به شیوع ترین جرم‌ها علیه خود اعتراف کند و آنگاه که پای اعدام‌های جمعی در میان باشد، بر اساس شریعت اسلام و در قالب یک فتوای ناقابل، گردن هزاران زندانی را به یک باره به طناب دار می‌سپارد. این آن نظامی است که با عنوان جمهوری اسلامی طی ۳۷ سال حق یک زندگی انسانی را از زنان ایران گرفته است.

این سرنوشتی است که نه تنها زنان، که کارگران، معلمان و تمامی توده‌های مردم ایران بدان گرفتارند. کابینه حسن روحانی نیز به رغم همه لفاظی‌های تاکتونی اش نشان داده است که با این استراتژی نظام هماهنگ است. بنابراین اگر قرار است زنان ایران از وضعیت موجود خلاصی یابند، اگر اراده توده‌های مردم ایران براین است که برخورداری از آزادی و برخورداری از یک زندگی شرافتمندانه حق مسلم آنان است که بی شک چنین است، تحقق چنین امری تنها و تنها با سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری حکومت شورایی میسر است. از این رو، داشتن هرگونه توهم به جمهوری اسلامی و یا هرگونه خوش‌باوری به سخنرانی‌ها و فریبکاری‌های جناح‌های مختلف رژیم که هر از چند سالی با یک سری وعده‌های توخالی و دروغ‌پردازی‌های مشتمل کننده بر صندلی قدرت می‌نشینند، عملاً تن دادن به استمرار وضعیت موجود است.

نزاع رئیس جمهور و کنگره آمریکا بر سر چیست؟

است، با تصمیم کنگره در این مورد مخالفت می‌کند و بر ادامه روند تاکنونی پافشاری می‌کند. ثانیاً او با ما که با وعده‌های متعددی از جمله وعده ایجاد "ثبات و آرامش" در خاورمیانه آغاز به کار کرد، نه فقط ثبات و امنیتی در منطقه ایجاد نکرد بلکه با دخالت‌های مستقیم و غیرمستقیم در امور کشورهای این منطقه از جمله و به ویژه در سوریه، چه از طریق آلت‌ناتیوسازی و تقویت اپوزسیون بشار اسد و جریان داعش، و چه با دامن زدن بر جنگ‌های منطقه‌ای و فرقه‌ای و حتا مذهبی، بی‌ثباتی و ناآرامی منطقه را فوق‌العاده افزایش داد. او با ما اگر چه در مورد سوریه خود را شکست خورده می‌بیند، اما سیاست خارجی خود در برابر جمهوری اسلامی و برنامه هسته‌ای آن را یکی از بزرگترین موفقیت‌های دوران ریاست جمهوری خود می‌داند و مصمم است که این سیاست را تا به آخر پیش ببرد. از نظر دولت آمریکا و کاخ سفید، کشاندن جمهوری اسلامی به پای میز مذاکره دو جانبه، کنترل برنامه هسته‌ای و مهار زیاده‌طلبی جمهوری اسلامی در زمینه غنی‌سازی و امثال آن در زمره موفقیت‌های بزرگ آمریکاست که او با ما می‌خواهد این روند را کامل کند و آن را در پرونده ریاست جمهوری خود ثبت نماید. گرچه او با ما در نطق سالانه خود به گزینه نظامی و جنگ و لو به عنوان آخرین گزینه نیز اشاره کرد، اما دست زدن به جنگی جدید و درگیری نظامی با جمهوری اسلامی در شرایط کنونی و با توجه به موقعیتی که آمریکا در آن قرار گرفته است و نیز با توجه به شرایطی که منطقه خاورمیانه در آن به سر می‌برد، فعلاً ممکن نیست. بنابراین پیش کشیدن گزینه نظامی، در واقع ابزار اعمال فشار برای تعجیل و تسریع روند مذاکرات است. به یک اعتبار می‌توان چنین نتیجه گرفت که تهدید کنگره آمریکا به وضع تحریم‌های جدید، اهرم فشاری است برای تسریع روند مذاکرات و نهایی شدن موضوع هسته‌ای و تسلیم کامل جمهوری اسلامی، آن‌طور که تهدید به گزینه نظامی نیز اهرم فشار دیگری است به همین منظور. تمام دعوا بر سر سرعت بخشیدن به روند مذاکرات و توافق جامع تا پایان مهلتی است که چهار ماه بیشتر به پایان آن نمانده است. مهلتی که چند بار تمدید شده است و کنگره آمریکا نمی‌خواهد دیگر بار شاهد تمدید آن باشد. شواهد موجود نیز حاکی از آن است که این تهدیدات تا حدودی موثر واقع شده است. چنان‌که ظریف پس از دیدار کوتاه و گفتگوی خود با وزیر خارجه آمریکا در حاشیه نشست داووس گفت، در این دیدار بر ضرورت تسریع و تقویت روند مذاکرات به منظور جلوگیری از تخریب‌هایی که صورت می‌گیرد، تأکید شده است!

نشستی به میزبانی خبرنگار آسوشیپدیرس، در محل اجلاس "مجمع جهانی اقتصاد" در شهر داووس سوئیس صحبت می‌کرد، در ادامه سخنان خود به واکنش متقابل مجلس شورای اسلامی در برابر اقدام کنگره آمریکا اشاره کرد و هشدار داد در صورتی که کنگره آمریکا تحریم‌های جدیدی علیه ایران وضع کند، مجلس شورای اسلامی نیز طرح افزایش غنی‌سازی را تصویب خواهد کرد و به منظور جدی ساختن هشدار خود، چنین اضافه کرد که اگر مصوبه کنگره آمریکا را رئیس جمهور می‌تواند وتو کند، اما مصوبه مجلس شورای اسلامی قابل وتو نیست! در ادامه و تکمیل سخنان ظریف، علی لاریجانی رئیس مجلس نیز گفت در صورت وضع تحریم‌های جدید، فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی "با حرکتی جهشی" به پیش خواهد رفت! علاوه بر این برخی از نمایندگان مجلس نیز تهدید کرده‌اند، طرح غنی‌سازی اورانیوم تا ۶۰ درصد که پیش از این در مجلس مطرح شده بود را به جریان خواهند انداخت و آن را تصویب خواهند کرد! تهدیدات دو جانبه کنگره آمریکا و مجلس شورای اسلامی، مذاکرات هسته‌ای ایران و کشورهای + ۵ و از آن مهمتر مذاکرات دو جانبه ایران و آمریکا را به مرحله حساسی کشانده است. بهرغم تهدیدات کنگره آمریکا به وضع تحریم‌های جدید و بازی با کارت ننانیاهو که گویای ناراضیاتی جناح هارتر بورژوازی آمریکا از سیاست خارجی او با ما در قبال جمهوری اسلامی و برنامه هسته‌ای آن است و بهرغم تهدیدات متقابل مجلس شورای اسلامی و رئیس آن پیرامون غنی‌سازی ۶۰ درصدی و رویکرد جهشی در فعالیت‌های هسته‌ای، اما طرفین مشاجره به روال توافقی که آذر ۹۲ در ژنو میان کشورهای + ۵ و جمهوری اسلامی بعمل آمد، ادامه خواهند داد. اولاً او با ما که توانسته است در تحریم ایران اروپا را با خود همراه کند، می‌داند که این همراهی نمی‌تواند تا بی‌نهایت ادامه یابد. کشورهای اروپایی متحد آمریکا که از اعمال تحریم علیه ایران تا هم اکنون هم بسیار متضرر شده‌اند، خواهان پیشرفت مذاکرات و برداشتن تحریم‌ها هستند و از این بابت به دولت آمریکا فشار می‌آورند. اتحادیه اروپا نمی‌خواهد بیش از این منافع خود را قربانی سیاست‌های آمریکا سازد. بنابراین چنان‌چه آمریکا (کنگره) بخواهد تحریم‌های جدید علیه ایران وضع کند، کشورهای اروپایی و متحد آمریکا برای جلوگیری از زیان‌های بیشتر، ممکن است قید این همراهی را بزنند و اتحاد کنونی آمریکا و اروپا در این زمینه دچار آسیب‌های جدی خواهد شد. از این روست که او با ما در برابر وضع تحریم‌های جدید ایستاده

کمک های مالی

کانادا- ونکور
انقلاب اجتماعی ۵
زنده باد سوسیالیسم
ر. احمد زبیرم
ر. فرهاد سلیمانی
حماسه سیاهکل
ر. بهمن آژنگ

آلمان
یعقوب شکر الهی
ناصر شاد نژاد

هلند
صدای کارگران و زحمتکشان
صدای کارگران و زحمتکشان

کانادا- ونکور
لاکومه
نرگس
نقیسه ناصری
دمکراسی شورانی ۱
دمکراسی شورانی ۲
زنده باد سوسیالیسم
ر. احمد زبیرم
ر. حسن نیک داوودی
تمیر یادبود خاوران

سوئیس
علی اکبر صفایی فراهانی
سیامک اسدیان (اسکندر)
حمید اشرف
محمد کاسه‌چی
امیر نبوی

دانمارک
پوران
هوشنگ احمدی
دکتر نریمبسا
کولنتای
Skive

تصحیح و یوزش

- کار شماره ۶۸۵ صفحه ۸ ستون دوم سطر هشتم جمله "به عبارت دیگر دولت روحانی با اضافه کردن یک"ه" به آخر کلمه بیکار، خیلی راحت آمار بیکاران را به ۷ میلیون کاهش داد" کلمه "به" زائد است و آمار بیکاران را ۷ میلیون کاهش داد صحیح است.
- همین شماره نشریه کار، صفحه ۱۰، ستون دوم، سطر ۱۲، جملهی "بار دیگر در سال ۱۹۷۷ دولت کلینتون..." باید به جملهی "بار دیگر در سال ۱۹۹۷ دولت کلینتون..." تغییر یابد.
- کار شماره ۶۸۳، صفحه ۷، ستون سوم، سطر ۵، جملهی "کودتا در شبلی و سرنگونی و قتل آئنده در سال ۱۹۶۷..." باید به جملهی "کودتا در شبلی و سرنگونی و قتل آئنده در سال ۱۹۷۳..." تغییر کند.

زنده باد سوسیالیسم

برای ارتباط با **سازمان فدائیان (اقلیت)** نامه‌های خود را به یکی از آدرس‌های زیر ارسال نمایید.

آلمان:

K. A. R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

دانمارک:

I. S. F
P. B. 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

هلند:

Postbus 23135
1100 DP
Amsterdam Z.O
Holland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

Gironummer 2492097
نام صاحب حساب: Stichting ICDR
IBAN:
NL08INGB0002492097
BIC: INGBNL2A
Amsterdam, Holland

نشانی ما بر روی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>
<http://71.18.104.131/>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

شماره پیامگیر **سازمان فدائیان (اقلیت)**:

در اروپا

0031(0)618622401

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fedaiyan (Aghaliyat)
No 686 February 2015

یادداشت‌های سیاسی

اعتصاب سراسری معلمان با شعار حق برخورداری از یک زندگی شرافتمندانه

نماینده‌ای از طرف دیگر همکاران خود خطاب به علی لاریجانی رئیس مجلس ارتجاع یادآور شده بودند: امروزه معلمان کشور در تامین نیازهای اولیه زندگی خود درمانده اند و عموماً زیر خط فقر به سر می‌برند و این امر به منزلت آنها آسیب زده است. معلمان همچنین با تاکید بر اینکه، وضعیت موجود موجب "کاهش انگیزه های شغلی شده و آینده روشنی را برای کشور ترسیم نمی‌نماید"، خواستار تحقق مطالبه "برحق جامعه فرهنگیان کشور مبنی بر تامین حقوقی که نیازهای یک زندگی شرافتمندانه را پاسخگو باشد"، شده بودند.

تارنمای کانون صنفی معلمان (تهران) با بیان اینکه این اعتصاب در تمامی استان ها و تمامی شهرها و روستاهای کوچک و بزرگ کشور مورد حمایت فرهنگیان قرار گرفت، در مورد ابعاد این اعتصاب سراسری نوشت: گزارش های رسیده حاکی از آن است که ۱۲ منطقه آموزشی

در صفحه ۹

اعتصاب سراسری معلمان کشور در ۳۰ دی و اول بهمن ماه ۹۳ و انعکاس آن در سایت ها و رسانه ها عمومی از جمله خبرهای خوش و امیدبخش روزهای گذشته بود. اعتصابی که در پی آن خون تازه ای در رگان جامعه و مجموعه فرهنگیان کشور پمپاژ شد. رخدادی که با وقوع آن، رخوت و سکوت چندین ساله معلمان ایران شکسته شد و خبر آن پیش از همه در وب سایت کانون صنفی معلمان (تهران) درج گردید. طبق گزارش تارنمای این کانون: شمار زیادی از معلمان استان های سراسر کشور، طی روزهای سه شنبه و چهارشنبه ۳۰ دی و اول بهمن ماه در اعتراض به وضعیت معیشتی خود از رفتن به کلاس های درس خودداری کردند. این اعتصاب سراسری، زمانی به وقوع پیوست که در روزهای پیشتر از آن نیز، ۶ هزار تن از معلمان ایران با امضاء طوماری صدای اعتراض خود را به گوش نمایندگان مجلس ارتجاع رسانده بودند. ۶ هزار معلم در این طومار اعتراضی به



shora.tv@gmail.com

تلویزیون دمکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

برنامه های تلویزیون دمکراسی شورایی از کانال تلویزیونی دیدگاه بر روی ماهواره یاه ست (Yahsat) پخش می‌شود.

ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی بدین قرار است:

روزهای دوشنبه و چهارشنبه هر هفته:

ساعت ۹،۵ شب به وقت ایران،

ساعت ۷ شب به وقت اروپای مرکزی به مدت ۱ ساعت پخش میشود.

تکرار برنامه ها در روزهای:

سه شنبه و پنجشنبه هر هفته ساعت ۹،۵ صبح به وقت ایران،

ساعت ۷ صبح به وقت اروپای مرکزی خواهد بود.

اگر به تلویزیون ماهواره ای دسترسی ندارید، میتوانید از طریق آدرس اینترنتی سایت دیدگاه و جی ال ویز به طور زنده و همزمان برنامه های تلویزیون دمکراسی شورایی را مشاهده کنید:

<http://www.didgah.tv/fa>

مشخصات ماهواره ای کانال تلویزیون دیدگاه:

ماهواره یاه ست ۵ / ۵۲ درجه ی شرقی

فرکانس: ۱۲۰۷۳ - پولاریزاسیون: عمودی - سیمپلریت: ۲۷۵۰۰ - اف ای سی: ۷ / ۸
شماره تلفن برای تماس با تلویزیون دمکراسی شورایی: ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

آدرس ایمیل: shora.tv@gmail.com

آدرس تلویزیون دمکراسی شورایی در اینترنت: <http://tvshora.com>

آدرس پستی: I.S.F / P. B. 398 / 1500 Copenhagen V. / Denmark

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی